



**تاثير تكنولوژي اطلاعات بر امر سياسي در ايران دهه هشتاد**

**مطالعه موردي انتخابات دهم رياست جمهوري**

**چكيده**

در اين مقاله در پي آن خواهيم بود كه با پيش فرض قرار دادن، در آستانه بودن ايران در ورود به عصر اطلاعات، تأثير تكنولوژيهاي نوين اطلاعاتي را بر عرصه سياست بسنجيم. ابتدا به شرح تكنولوژي­هاي نوين اطلاعاتي و امر سياسي مي­پردازيم و از زاويه ديد تحليل علمي گونه هاي كلان اثر بخشي را به صورت نوع آرماني شناسايي مي­كنيم. سپس اين اثر بخشي را در بعد تئوريك در دو وجه راديكال مدرن امنيت و راديكال مدرن آزادي، به دو وجه اعتراض در سطح جامعه مدني و حكومت­مندي در سطح قدرت بررسي كرد و اين تئوري را در مورد ايران دهه 80 مورد بررسي قرار مي­دهيم. ايران صفحه نوين شكل گيري امر سياسي در عصر اطلاعات در شكل راديكال است كه گونه اي بي سابقه از تجربه و ادبيات سياسي را در حال تجربه كردن مي­باشد و اين مقاله مقدمه اي كوتاه براي سطح علمي و تئوريك اين بررسي به صورت غرق نشدن در موضوع مي­باشد كه علت تكنولوژيهاي نوين است و نمود آن در امر سياسي و نقطه مورد بحث انتخابات رياست جمهوري دهم مي­باشد.

**واژگان كليدي**

تكنولوژي­هاي نوين اطلاعاتي، امر سياست، مدرنيته امنيتي حكومت­مندي، مدرنيته راديكال اعتراض.

**بيان مسئله**

كجاي واقعيت ايستادن نظرگاه آدمي را شكل مي­دهد. هر نظريه توصيفي از نحوه انكشاف وجود، توسط آدمي است و در اين ميان، نشانه روي حقيقت مي­تواند، معيار دروني اصرار و ايستادن از سوي خالق تئوري و به تاريخ واگذاردن و يا معيار بيروني اجماع صاحب نظران باشد(2009:7 ،lenk ). اين نوشتار در موجي از آشفتگي ها و نوآوري ها نوشته مي­شود و رويدادي بكر و خلاقيت بخش و حتي تلخ و بي ­سابقه در تاريخ امر سياسي بشر را مورد تحليل قرار مي­دهد. قصد اصلي اين مقاله به وجود آوردن شكل تئوري از گونه­هاي آرماني رابطه تكنولوژي اطلاعات و امر سياسي است. سرعت تحولات بسيار بالاست، زيرا ايران در آستانه عصر اطلاعات قرار دارد و اگر سنت فرهنگ سياسي جمهوري اسلامي را با اعتقاد آرماني حاكميت از يكسو و اعتراض جامعه مدني بي صبر آن را به همراه ابزارهاي نوين در يك جهان زيست سياسي جمع كنيم و بخواهيم پايه هاي علمي نوشتار را بدون غرق در موضوع شدن بررسي كنيم سختي كار بر ما آشكار خواهد شد.

**تكنولوژي هاي نوين اطلاعاتي**

تكنولوژي دستاورد زندگي متمايز انسان در مقابل ساير موجودات است (Ibid:4). فكر عملي اي كه زندگي آدمي را آسان­تر، دقيق­تر و عملي­تر مي كند، تا در پرتو عمل پرسرعت و با بهره گيري از سنت تجربي بتواند دشواريهاي زندگي را به سمت آسودگي و آرامش و در يك نگاه كلي فايده گرايانه كنار بگذارد. تكنولوژي فكر تبديل شده به عمل است. از اهرم­ها تا چرخ­، از ماشين تا تلفن و كامپيوتر و... هر يك تكنولوژي­هايي هستند كه متناسب با خود، زندگي جديدي را براي بشر به ارمغان آوردند. تكنولوژي از يكسو به دامنه امكانهاي انرژي و توان آن بستگي دارد. از زغال تا نفت و باد و انرژي خورشيدي و هسته اي... كه تكنولوژي را تواني به سمت عملي شدن داد. از سوي ديگر تكنولوژي همان ابزار است، ابزاري كه او را در مرحله به مرحله رشد و تكامل تمدن همراهي مي­كند. تلفن، موبايل، كامپيوتر، چرخ، هواپيما و ماشين... همه شكلهايي بودند كه انرژي مي بايست آنها را به حركت درآورد. تكنولوژي هاي سنتي عصر متافيزيك دستي و ساده و از ابزارهاي طبيعي و همگام با محيط بودند و تكنولوژي هاي مدرن ساختاري ماشيني و مكانيكي داشتند كه عصر صنعتي را شكل داد و تكنولوژيهاي جديد اواخر قرن بيست و يكم گونه هاي كوانتمي پيچيده سازه اي و اطلاعاتي را شكل داده اند. اين مقاله بر روي تكنولوژي هاي نوين اطلاعاتي تمركز مي كند. در واقع تكنولوژي هاي اطلاعاتي را همانند ساير تكنولوژي­ها نبايد فقط ابزار و فن و يا حتي فكر عملي شده در يك مقطع گرفت.

تكنولوژي، جهان زيستي است كه انسان زندگي و نحوه سلوك جديد را خلق مي كند (هايدگر،1377 – هابرماس،1385). تكنولوژي هاي جديد اطلاعاتي موادي هستند كه خود را به صورت، شكل پيشرفته موج، صدا، تصوير و اطلاعات پيشرفته تلفن، تلويزيون، ماهواره و كامپيوتر علوم زيستي و ژنتيكي شكل داده اند. تكنولوژي هاي نوين اطلاعاتي در اين مقاله از ماهواره­هاي پيشرفته تا تكنولوژي هاي چند رسانه اي اينترنتي و موبايلهاي پيشرفته... را تشكيل مي دهند. دقيق تر شدن، پيچيده تر شدن و سازه تر شدن ويژگي عصر اطلاعات مي باشد كه متناسب با خود سبك زندگي جديدي را به ارمغان مي آورد و اين مقاله به تمركز بر امر سياسي در ايران خواهد پرداخت.

**امر سياسي**

سياست و امر سياسي ابتدا خود را در قالب دولت، ملت، حاكميت، حكومت، مشروعيت، و قدرت جمعي سازمان يافته عيني تعريف مي كرد (گلگ،1379: 79). دولت در عمل و حكومت در شكل هاي گوناگون از برآمدن تا قدرت گيري و ماندن و فروپاشي و انقلاب­ها و كودتاها همه و همه وجه بديهي و عيني امر سياسي را مشخص مي­ساخت. امر سياس، امري است كه با قدرت استبدادي، ديكتاتوري، جمهوري و دموكراسي... سرو كار دارد. امر سياسي، امري انقلابي، كودتايي، مديريتي و سازماندهي شده است كه به صورت انساني و جمعي ومدني و خشونت آميز خود را در تاريخ بشر در سلسله ها و دموكراسي هاي اقتدارگرا و آزاد در جهت هاي رفاه و امنيت، آزادي خواهي.. تعريف كرده است. امر سياسي در عصر متافيزيك خصلتي كيفي و اندرزي داشت و وجوهي خطابه اي و شفاهي و ميداني را شكل مي داد. امر سياسي در عصر متافيزيك خصلتي بوروكراتيك و سازماني پيدا كرد كه با گونه هاي دموكراتيك و نمايندگي و همين طور ديكتاتوري هاي نظامي و امنيتي شاكله بندي شد. امر سياسي در عصر اطلاعات از وجوه عيني ساختاري و از بالا به پايين خود را به صورت زبان، فكر، سازه هاي حكومتي و امور كيفي تر درآورد كه شامل زندگي روزمره بشر شد. سياست در عصر اطلاعات خود را به صورت ريزتر شدن نشان داد (Nash,2001). يك نشان، نماد، دال، يك تصوير، فيلم، عكس يك تصميم مي توانند نمودهاي امر سياسي باشند.

1. **روش تحقيق**

اين نوشتار بر اساس روش تحليلي و تجربي نوشته شده است. تحليل رويدادها براساس نگرش هاي وبري و پساوبري از نوع آرماني مي باشد. نوع آرماني سامانه­ي مفهومي منسجم و قابل ارجاع و اشاره ايست كه ريشه در تاريخ و واقعيت دارد(وبر،1382: 244). تجربي بر اساس زيست امر سياسي ايرانيان دهه 80 مي باشد. اطلاعات خام اين نوشتار از وبلاگ ها، وب سايت ها، فيلم ها، عكس ها و سلوك سياسي مردم ايران در انتخابات دهم رياست جمهوري فراهم شده است. اكنون كه 8 ماه از انتخابات مي گذرد و اگر ما علت اصلي تحولات را تكنولوژي نوين و موضوع مورد بررسي را امر سياسي در ايران بگذاريم، داراي يك سابقه 8 ماهه حكومت مندي و اعتراض هستيم كه رابطه تحقيق را مورد بررسي قرار مي دهد. براي جهت گيري مفهومي از واژگان نوع آرماني در رابطه تكنولوژي اطلاعات و سياست تكيه گاه امر سياسي را به دو شكل راديكال بودن امنيت و راديكال بودن آزادي سوق داده ايم. از متفكران هم سو با آن در شكل اعتراض و آزادي در جامعه مدني تا متفكران حكومت مندي و انضباطي و كنترلي عصر اطلاعات بهره گرفته ايم تا بتوانيم تاريخ يك جنبش اعتراض و تاريخ يك حكومت مندي محافظه كار در آغاز عصر اطلاعات ايران را مورد شناسايي قرار دهيم. در تمام نوشتار سعي مي شود رجوع به واقعيت و در آوردن يك تئوري علمي بي طرف را دغدغه خود قرار دهيم.

1. **ادبيات تئوريك مقاله**

با آنكه عصر اطلاعات چند دهه­ اي بيش نيست كه آغاز شده است اما آثار مقاله اي اما پر محتواي بسياري راجع به رابطه تكنولوژي اطلاعات و امر سياسي نوشته شده است. به طور خلاصه مي توان اين ادبيات تئوريك را در سه وجه امنيت، اقتصاد آزادي جمع بندي كرد.

**الف) امنيت**: نگاه نگران و سياسي و كاملأ ترسان امنيتي نگاهي است كه تكنولوژي اطلاعات را با آن شروع شده مي داند. از ماركسيست ها تا پسامدرنها و حتي محافظه كاران كه ذات تكنولوژي اطلاعات را در يك وجه كنترلي و انضباطي قرار مي دهند( دلوز،1386- فوكو،1378- بودريار،1385) در واقع گزاره هاي آنها بر اين اساس است كه تكنولوژي اطلاعات ساختار فكر سازه اي انسان را به صورت محدوده اي قابل بررسي و قابل اجرا مي كند كه اين ماهيت تكنولوژيك او را در زندان بسيار قدرتمندتر از مدرنيته به نام پسامدرنيته جاي خواهد داد(بودريار،1385). انسان قابل ردگيري مي شود. تمام انسانها در زندان ساخته شده به دست خود اسيرند، آنها هم حاكمند و هم محكوم (ابو،1385). زنجيره اي از اعداد و ارقام و امواج (هوسرل،1382) كه انسان آنها را هدايت ميكند، انسان را موجودي انقياد شده در يك قدرت پخش شده، قرار مي­دهد. امنيت غايت باز و كيفي موجود در همه جا غايت امر سياسي مي شود. دولت الكترونيك و سامانه هاي ديجيتالي انسان ها را حكومت­مند مي كند. واژه حكومت­مند متناسب اين ديدگاه است( فوكو،حكومت مندي: بي تا)

**ب) آزادي:** بر خلاف نگاه اول؛ فمينيستها، ليبرالها و پساليبرالها نگاهي همدلانه و خوش بين دارند ((chadwik,2008:3. براساس سنت اعتراض و دموكراتيك جامعه مدني، اين اعتقاد وجود دارد كه تكنولوژي اطلاعات باعث مي شود امر سياسي ريز و مردمي تر شود(Mossbrger,2008:174) و بر پايه آن ما شاهد جهاني شدن حقوق بشر، دموكراسي و فرهنگ مدني و انساني در سراسر جهان باشيم (Reedy,2008:158). انسان در سطح جهاني آزاد مي شود و اطلاعات متكثر و روايت پذير مي شود (سلطاني فر،1387: 98) كه در قالب زدودن تعصب ها، تفكرات قبيله­ اي، طايفه اي و حتي دولت ملتي انساني عصر جهاني شدن و فرهنگ جهاني دموكراتيك را در عرصه عمومي جهاني تجربه خواهد كرد (May,2008:365-Karatzogianni,2009:175). اين ديدگاه براساس مدرنيته راديكال آزادي سامان بندي مي شود و بسياري از عالمان علم ارتباطات، علوم سياسي و مديريت اين رويكرد را با غايت آزادي حداكثري براي خود برگزيده اند (Bennel,2008:258).

**ج) اقتصاد:** آنچه وجوه اعتدالي و عقلاني مدرنيته را به وجه هژمون مي­سازد، چهره اقتصادي مدرنيته مي­باشد، كه به شكلي خودجوش و جهاني تر در عصر اطلاعات نيز ادامه پيدا مي­كند (كاستلز،1380). اقتصاد وجه مياني براي بقا، حفظ نسل و تامين رفاه اوست كه زير پاي توسعه و شكوفايي تمدن قرار مي­گيرد. تكنولوژي اطلاعات با منطق راستي و واقع گراي اقتصادي كنار مي­آيد و با توجه به ذات سازه اي و مجازي بي نهايت خود به خدمت عقلانيت فايده گرا در مي­آيد و ساختار جهاني را در شكل روابط شمال و جنوب، دارا و ندار و شرق و غرب تقسيم بندي مي­كند. اقتصاد اساس مدرنيته و گونه اي از راستي غير قابل انكار در ميانه اخلاق و غريزه تعريف مي­شود. پول در منطق اقتصادي جديد پويايي و جرياني از اطلاعات است كه با شيوه شهرنشيني و تحرك جديد مي­خواند. سنت، كشاورزي و قداست ارزشي اشرافي كلاسيك را در يك هرج و مرج و خلا سيري ناپذير مبتني بر خريدن هوسها و لذت هاي فايده مند قابل شمارش و كمي مي­كند. در وجه پسامدرن اين منطق راديكال تر مي­شود و وجوه عيني و كاغذي آن تبديل به صفر و يك هاي مجازي مي­شود، كه با نيت عامل آن تا بي نهايت جا به جا مي­شود. فهم بسياري از تحولات آستانگي در عصر اطلاعات را نيز بايد بر جانيفتادگي منطق اقتصادي مكانيكي در منطق كوانتمي عصر اطلاعات فهم كرد. نگاه ابزاري و دقيق و ترس رياكارانه نقشي مدرنيته كه محدوديت هاي تك بعدي داشت با لذت گرايي و بازبودن و نابودي محدوديت ها در عصر جديد نمي­خواند و بسياري اين دو را يكسان مي­گيرند و توانايي و جرات تفكيك اين دو جهان زيست را ندارند. تعامل پويا به دور از راديكال گرايي عصر مدرن در عصر پسامدرن سنت اقتصادي عقلاني را شكل مي­دهد (هابرماس،1383).

1. **ايران در آستانه عصر اطلاعات (بحث تئوريك)**

وجه مطلوب براي امر سياسي در شكل حكومت و ايجابي، مديريتي منسجم ، حكمراني كارآمد و دقيق است و در وجه جامعه مدني از خود پديداري باز ، دموكراتيك، شفاف و پراكنده را نشان مي­دهد. عمده مباحث تئوريك تكنولوژي اطلاعات مربوط به عصر مدرن و پسامدرن مي­باشد. ايران تا زمان مشروطه داراي سنت اطلاعاتي شفاهي با زير بناي متافيزيكي بوده است. حسينيه ها، مساجد، قهوه خانه ها، بازار، مدارس علميه، زورخانه ها، حمام ها و حتي كوچه ها و خيابان ها محل بحث، گفتگو و تبادل اطلاعات و ارتباطات سنتي است (فرقاني،1382: 106). شكل مدرن اطلاع رساني در ايران با ايجاد شدن مدارس، دانشگاه ها، راه آهن، بروكراسي، ارتش، مجلس و روزنامه ايجاد گرديد. ايران عصر مشروطه شكل كتبي شب نامه ها، روزنامه ها، كتاب ها و سفرنامه ها و تجمع در مراكز سنتي و سفارت خانه ها را به لحاظ جو اطلاعاتي تجربه كرد. انقلاب اسلامي از وجوه ديداري به نوشتاري قدم گذاشت و با آنكه غلبه كامل جو اطلاعاتي هنوز در تجمعات و مراسم مذهبي و مساجد و خطبه ها و منبرها بود اما تكنولوژي هاي جديدتري چون نواركاست، راديو و دستگاه كپي نيز به نحو بسيار وسيعي مورد استفاده قرار گرفتند. دوره اصلاحات تحت تاثير روزنامه ها و فضاي ماهواره اي بود و دهه هشتاد در ايران را شكل هاي نوين تكنولوژي اطلاعات از قبيل موبايل و اينترنت سامان دهي كرد (.(Roabusc,2004:15

ايران دهه هشتاد بخصوص انتخابات دهم رياست جمهوري در آستانه بودن ايران را نشان مي­دهد. ايران در حال گذر از جهان زيست سنت و مدرنيته به جهان زيست سنت و پسامدرنيته مي­باشد. اين گذار به عصر اطلاعات به علت داشتن پتانسيل بالا و تغيير معرفت انسان ها باعث شكاف نسلي شده است، كه خود را به صورت هرج و مرج و آنومي ايجاد شده در عرصه سياسي نشان مي­دهد كه در تبلور امر سياسي دنيا بي سابقه است. در منطق تكنولوژي اطلاعات جهاني گونه اي از توهم و دوري از سياست و حركت به سمت اقتصاد را شاهديم، اما در ايران با تمام عقب افتادگي و محدوديت و ترس از فضاهاي جديد اطلاعاتي و برخورد دوگانه شهر، روستا، جوانان، سالخوردگان، دولت، ملت ... راديكال ترين شكل سياست سايبر در حال شكل گرفتن مي­باشد. چهار گونه تئوري در آستانه بودن ايران دهه هشتاد را در وجه امر سياسي در ارتباط با تكنولوژي اطلاعات تفسير مي­كنند.

**الف) تئوري تصلب:** بر اساس اين رويكرد ايران درگيري و جدال سنت و مدرن را به صورت انقلابي كنار خواهد گذاشت. تكنولوژي هاي جديد جهان زيست پسامدرني را براي امر سياسي در ايران رقم ميزند كه ديگر در قالب ذهن و عين و تحولات ميانه اي و رياكار مدرنيته­ي سياسي در ايران كه از مشروطه ناقص تا انتخابات رياست جمهوري دهم به صورت جدال سازش ناپذير سنت و تجدد ادامه داشت، ديگر خبري نخواهد بود (نيكفر، 6 تير 1388). آنچه مهم است هسته­ي شالوده اي و جوهري غير قابل نقد كلاسيك و وجوه انتقادي و شكاك جديد است كه خود را در قالب تصلب ايران نمايان ساخته است.

**ب) تئوري پسامدرن عرفان بومي:** بر اساس اين رويكرد ايران مي­تواند سنت عرفاني خويش را زنده كردن متني سنت در عصر اطلاعات شاهد باشد. امر سياسي سنتي ايران با مكانيك مدرنيته خوانشي انتقادي و هم دلانه نداشت و تعارض آن خود را در وجه غالب مدرن پهلوي و وجه غالب سنت جمهوري اسلامي نشان داد. اكنون ايران شاهد اعتدال و بازگشت به خويشتن در قالب گفتگوي تمدني با ساير حوزه ها مي­باشد (پرهام،1379). تعارضات كنوني ايران نيز ناشي از پوست اندازي و آخرين تلاش هاي طرد و انكاري است كه پس از خستگي و از نيرو افتادن دو طرف شاهد به رسميت شناخته شدن يكديگر و همزيستي نه در سطح داخلي بلكه در سطح جهاني خواهيم بود.

**ج) تئوري بنيادگرايي:** بر اساس اين رويكرد غرب در عصر اطلاعات وجه غالب و جوهري اش را از دست مي­دهد و اسلام گرايي بعد از فروپاشي ليبرال ها و ماركسيست ها و ناكارآمدي علوم غربي سلطه ملي، منطقه اي و جهاني خويش را با حقانيت شكل مي­دهد (فضلي نژاد،بي جا بي تا: 22). عصر اطلاعات برآمدن تمدن شرق در برابر غرب و معنويت در مقابل مادي گرايي مدرن است.

**د) تئوري تساهل و گسست:** بر اساس اين رويكرد عصر اطلاعات جهان زيستي فارغ از كلان روايت ها و ايدئولوژي هاي دگم دارد و انسان ها بدليل مشاهده بي نهاينت امور خارق العاده افسون هيچ عقيده اي نمي شوند و همين مورد آنها را از يكسو بي كنش و از سوي ديگر اهل مدارا بار مي­آورد. زندگي در عصر پسامدرن با فلسفه تاريخ گسست دار كه در رابطه با همنشيني قدرت و دانش شكل گرفته است، روزمره گي آرام و آسايشي ناشي از همنشيني با هستي بدون قصد تغيير در آن شكل داده است. امر سياسي نيز در اين فضا با فروپاشي جوهرها و اسطوره ها همراه است كه گونه هاي مقاومت روزمره و قدرت در سطح پايين جامعه را به شكل بسيار ماكياولي و بي غايتي را شكل مي­دهد. امر سياسي در ايران نيز از اين فضا چندان دور نيست (مصاحبه بشيريه، آذر 1388).

برخلاف تمام اين تئوري ها ايران راه ديگري پيمود. ايران دهه هشتاد در وجه حكومت مندي با پارازيت، فيلتر، حك كردن و برخوردهاي فيزيكي و سلبي نمايش حفظ قدرت را خلق كرد ه همان مدرنيته راديكال امنيت مي­باشد. در وجه جامعه مدني نيز با بي صبري، فروپاشي كلان روايت ها و اسطوره ها به خرج كردن كامل خود در سطح جوهري به بي غايت كردن امر سياسي پرداختند كه اين گونه سياست ورزي خود را در شكل راديكال آزادي محور نشان مي­دهد. تظاهرات خياباني، سركوب شديد، پارازيت هاي ماهواره اي، فيلترينگ سايت ها، جنگ ها و درگيري هاي خياباني ... در دو شكل حكومت مندي و اعتراض جديد وجه زنده و آن لاين رابطه سياست و تكنولوژي اطلاعات را در فضاي مجازي و واقعي امر سياسي در ايران به صورت بي سابقه در دنيا پياده كرد ((Semati,2008:3.

1. **فضاي اطلاع رساني در ايران دهه هشتاد**

جو حاكم بر اطلاع رساني سياسي در ايران دهه هشتاد در سه سويه سنتي، مدرن و پسامدرن سير مي­كند. سير سنتي شامل مدارس علميه، بازار، مساجد و منبرها، تكيه ها و حسينيه ها، زورخانه ها و حمام ها، شب نشيني ها و مراسم جشن، عذا و ... است كه سويه اي شفاهي، رودررو، مستقيم، ساده با درون مايه هاي ملي، مذهبي و عرفي دارد. شهرنشيني، معماري هاي جديد، ارتباط با خارج از كشور، گسترش تكنولوژي هاي جديد اطلاع رساني، افزايش سطح سواد خصوصا در زنان و سبك زندگي هاي داراي تحرك بالا و با خانواده هاي پراكنده و كم جمعيت شكل سنتي ارتباط را بسيار كم كرده است. تكنولوژي هاي جديد مدرن و پسامدرن از قبيل راديو، تلوزيون، ماهواره، كامپيوتر، اينترنت و ... هم فضاي خود را شكل داده اند و هم فضاي سنتي را با تغيير شكل و كاهش مواجه ساخته اند.

**الف) راديو و تلويزيون:** راديو و تلوزيون به همراه بانك، راه آهن و بروكراسي نوين و ارتش تبلور مدرن شدن جامعه و آغاز همگرايي دولت ملت در واژگان علوم سياسي به شمار مي­روند (معتمدنژاد،1386: 112). انقلاب ايران در فضايي روي داد كه جو حاكم اطلاع رساني بر مردم، ضد رسانه دولتي يعني راديو و تلوزيون بود. تلوزيون پهلوي همانند ساير برنامه هاي مدرن آن، از بالا به پايين و به قصد آموختن شيوه هاي مدرن زندگي شهري هم سطح با جهان را در تبليغ مي­كرد. نوار كاست، ضبط صوت، كپي بيانيه ها و نقل قول هاي منبري، سخن راني در مساجد، عذاداري در تكيه ها و حسينيه ها، تعذيه خواني تاسوعا و عاشورا و ... همه گونه اي از فضاي عمومي ريز مردمي و از پايين به بالا بود كه هژمون خودساخته و كور و رسمي رسانه اي پهلوي را شكست داد (فرقاني،1382: 138). با پيروزي انقلاب اسلامي رويكرد دولتي به فضاي اطلاع رساني خصوصا راديو و تلوزيون بيشتر شد و سياست گزاري صدا و سيماي جمهوري اسلامي ايران بر جهت دهي و هدايت افكار عمومي جامعه بنا شد. رسانه هاي غربي بر محوريت روابط قدرت، سياست و منطق زيركي و ثروت قدرتمندان خصوصا صهيونيست ها و آمريكا تعريف شد، كه وظيفه صدا و سيما اين بود كه خارج از اين جو حركت كند و با رويكردي ايدئولوژيك، اخلاقي، مذهبي و معنوي به همراه حفظ بنيان خانواده خبر، تفسير، فيلم و مستند و ... توليد و پخش كند. با توجه به سير انقلاب و تحولات داخلي و خارجي روز به روز بر اهميت صدا و سيما در ايران افزوده شد، تا جايي كه اين نهاد گسترده خبررساني، انحصاري ترين منبع اطلاع رساني در ايران و ركن چهارم قدرت در جمهوري اسلامي ايران نام گرفت. اخبار و تفسيرهاي مبتني بر شكست، فروپاشي، زوال و نشان دهنده­ي بحران هاي گوناگون در جهان غرب سرمايه داري و ائتلاف هاي غير غربي از شرقي ها، عدم تعهد و خصوصا كشورهاي اسلامي و كشورهاي جهان سوم بر ضد ساختار قدرت بود. ايران جزيره امن و مركز با ثبات منطقه و دنيا تصوير مي­شود. خبر رساني راديو و تلوزيون رسمي، از بالا به پايين، ايدئولوژيك، مذهبي و داراي كاركرد وحدت وجودي مي­باشد.

**ب) روزنامه ها**: برخي از سلايق و نظرات طبقه متوسط شهرنشين ايران در جهات اقتصادي، سياسي، ورزشي و تفريحي در روزنامه ها منعكس مي­شود (Khiabani,2009:18). اطلاع رساني روزنامه ها در ده هشتاد در قلم طبقه متوسط مي­باشد. روزنامه هاي سياسي در ايران را مي­توان به دو دسته خواستار وضع موجود و مدافع تمام عيار هر نوع سياست اتخاذ شده و روزنامه هاي ناقد وضع موجود تقسيم كرد (Seyed emammy,2008:58). روزنامه ها و هفته هاي حافظ وضع موجود به طيف هاي راديكال، ميانه و محافظه كار تقسم مي­شوند. روزنامه ها و هفته نامه هايي چون كيهان، رسالت، جمهوري اسلامي، اطلاعات، قدس، پرتو، جوان، يالثارات، سياست روز ... در اين طيف جاي مي­گيرند. ناقدان وضع موجود نيز به سه طيف راديكال، ميانه و اصلاح طلب تقسيم مي­شوند. روزنامه هايي چون اعتماد، اعتماد ملي، هم ميهن، شرق، تهران امروز، عصر آزادگان، جامعه، طوس، فرهيختگان، آفتاب يزد، مردم سالاري، ياس نو، وقايع التفاقيه، آرمان عمومي، كارگزاران ... در اين طيف جاي مي­گيرند.هر چه در دولت نهم و دهم روزنامه هاي منتقد بسته مي­شوند طيف راست و محافظه كار و طيف ميانه رويكردي اصلاحي به خود مي­گيرند. روزنامه در فضاي خودسانسوري و خطر بسته شدن قرار دارد. خط قرمزهاي كمتري به علت مخاطبان كم دارد و براي طبقه متوسط در ايران ميانه اخبار رسمي تلوزيون و اخبار غير رسمي ماهواره و اينترنت، روزنامه جايگاهي انتقادي و لرزان دارد.

**ج) ماهواره ها:** تحت پوشش قرار گرفتن ايران از سوي فرستنده هاي عرب ست، ترك ست، اينتل ست (Alikhah,2008:96) و ... در دهه هفتاد به گونه اي پيش رفت كه در دهه هشتاد شاهد بيش ار چهل كانال تلوزيوني فارسي زبان هستيم (Ibid:99). ورود خبررساني و تحليل سياسي در ايران با مباحث ملي گرايان سلطنت طلب و چپ گرايان راديكالي بود كه درست خط مشي گذاري خبري خود را در جهت عكس صدا و سيماي جمهوري اسلامي ايران قرار دادند. ضديت با اسلام و انقلاب اسلامي ايران و دفاع از ملي گرايي و طلايي نشان دادن دستاوردهاي دوران پهلوي و نقد حضور مذهب در سياست و عرصه عمومي در برنامه­ي اين شبكه ها به چشم مي­آمد (Ibid:109). هر سال بر شبكه هايي كه ماهيت سرگرمي، تفريحي از قبيل پخش موسيقي و فيلم دارند افزوده مي­شود و شبكه هاي سياسي كم تر اما حرفه اي تر مي­شوند. شبكه هاي ماهواره اي را مي­توان به ملي گرايي، سلطنت طلبان، ليبرال ها، قوميت گرايان و چپ گرايان تقسيم كرد. در اين ميان تلوزيون بي بي سي فارسي در سال 2009 به پخش برنامه پرداخت و برخلاف راديو و تلوزيون هاي ماهواره اي چون راديو فردا، راديو زمانه، صداي آمريكا و سيماي آزادي ... شبكه اي هدايتي و برنامه ريزي براي كنترل افكار عمومي به شيوه­ي مستقيم و ناشي گرايانه به خود نگرفت و با شكلي جديد و حرفه اي با تمام تكنيك هاي تكثرگرايي و احترام به عقيده مخاطب طيف وسيعي از مخاطبان و فضاي خبري و تفسيري در ايران را سامان دهي كرد. اين شبكه برنامه هاي خود را از بعدظهر تا نيمه شب پخش مي­كند و با عكس ها، فيلم ها، گزارش ها و تحليل هايي كه براي ايران، افغانستان و تاجيكستان به صورت ملي و منطقه اي پخش مي­كند، باعث افزايش آگاهي سياسي انتقادي، ترويج سكولاريسم و گسترش نگاه تجديدنظر طلب به ايدئولوژي جمهوري اسلامي ايران با ماهيت تجددگرايانه ملي مي­شود. فضاي خبررساني ماهواره ها در ايران از بالا به پايين، يك طرفه و كنترل شده از خارج در جهت هدايت افكار عمومي ايرانيان مي­باشد. ماهواره ها در ايران توانستند خصوصا بعد از دوم خرداد هفتاد و شش تا انتخابات دهم رياست جمهوري در ايران فضاي اعتراضي و مدني انتقادي را به سمت كنش هاي راديكال انقلابي و از نقد حكومت به نقد دولت بكشانند. تعداد دريافت كننده هاي ماهواره اي در تهران و شهرهاي بزرگ علي رغم منع قانوني در حال افزايش است و فراموش شدن و ناديده گرفتن بسياري از خط قرمزها در فضاي رسمي خبري ايران باعث جذب شدن آنها در فضاي ماهواره اي غير رسمي و قدرتمند كردن آنها مي­شود.

**د) اينترنت:** برخلاف ماهواره كه رايج شدنش در سال 71 در ميان طبقات متوسط بالاي شهري بخصوص در تهران بود، اينترنت از فضاي دانشگاهي، تجاري و اداري در ايران آغاز شد (Rahimi,2008:38). دكتر لاريجاني در سال 1372 در مركز رياضي و فيزيك ايران ارتباط ميلي با دانشگاه هاي ونيز برقرار كرد و پس از آن ايران بعد از اسرائيل بيشترين كاربر اينترنت را دارا است (Ibid:39). اينترنت شبكه مجازي ارتباطي جهاني است كه از بي نهايت سايت و وبلاگ و امكانات چند رسانه اي صوتي، نوشتاري، تصويري و ... تشكيل شده است (Saravissers,2010). پخش اطلاعات در اينترنت جهاني از پايين به بالا و داراي قابليت اصلاح و نقدپذيري مدام است. اينترنت اوج فناوري­هاي اطلاعاتي است كه ارتباط چندگانه كاربران را در شبكه­اي مجازي و جهاني به صورت زنده فراهم مي­ كند (Gerhard,2010:13). اطلاع رساني اينترنت در بعد سياسي در ايران عمدتأ در قالب سايت­ها، وبلاگ­ها و چت روم­ها صورت مي­گيرد. هم طرفداران وضع موجود و هم اصلاح­طلبان و نافيان راديكال جمهوري اسلامي از اين فضا بهره مي­گيرند. انحصار خبري در فضاي سايبر اينترنتي ايران در "گويا" قرار دارد. گويا تمام خبررساني­ها، تلويزيون­ها، راديو­ها، وبلاگ­ها و سايت­هاي چپ، راست، ميانه، محافظه­كار، قومي، طرفداران محيط زيست، زنان و ورزش و سرگرمي در مورد ايران را در خود جاي داده است. سايت­ها حالتي رسمي و تا حدودي داراي استاندارد خبري راديويي، تلويزيوني و روزنامه­اي هستند كه جريان اطلاعات را چند رسانه­اي و زنده به كاربران عرضه مي­كنند. ايران علي­رغم وجود اينترنت كم سرعت و فيلترينگ شديد، فضاي سايبري بسيار فعال و پركاري را از خود نشان داده است. كاربران ايراني در حوزه وبلاگ در دنيا رتبه 2 تا 5 را از آن خود كرده اند. وبلاگ­ها حالتي غير رسمي، شفاهي، تصويري و زنده­تر قابل انتقاد تري را نشان مي­دهند. وبلاگ­ها زندگي ايرانيان را شكل داده­اند كه فرد امنيت بدون سانسور و تابوي خويش را (رضايي­پرور،1378: 43) در وبلاگ­ها كه داراي نوعي فضاي پويا وزنده است نشان مي­دهند (Ekdale,2010).

**ه) موبايل:** تلفن همراه آخرين امكان رسانه­اي و اطلاعاتي ايرانيان را در بر مي­گيرد. فضاي اطلاع رساني دو يا چند نفره­اي كه خود را در قالب مكالمات تلفن و همچنين فرستادن پيامك­ها نشان مي­دهد. پيامك­ها ابتدا ماهيت خبررساني و بعد جوك­هاي سياسي و مذهبي و قومي داشت، كه با توجه به ماهيت روز­ها و جو­هاي انتخابات و يا اعتراض تغيير مي­كرد. موبايل در ايران كاركرد بسيار سياسي­اي پيدا كرد، از پيامك­هاي انتخاباتي و تبليغي تا شهروند و خبرنگار فعال شدن و عكس و كليپ گرفتن و فرستادن براي يكديگر و وصل شدن به اينترنت و ارسال به سايت­هاي خبري تا هماهنگي ريتم­ها و آهنگ­ها و حتي بلوتوث فرستادن كه جو سياسي بي­سابقه­اي از موبايل علي­رغم شايع نشدن سيستم MMS در ايران شكل داد. به طور كلي فضاي خبري راديو، تلويزيون ، روزنامه­ها، سايت­ها، ماهواره­ها، وبلاگ­ها و جو موبايل در ايران قبل از انتخابات رياست جمهوري دهم فضايي نيمه جان سياسي و نيمه سياسي بود. انتخابات دهم رياست جمهوري طبقه متوسط و دولت را درگير مسائل هويتي، امنيتي و سياسي­اي كرد كه بي­سابقه بود و اين خود محركي شد كه گونه­هاي جديد امر سياسي در ايران شكل بگيرد. ايران تلويزيون و راديويي رسمي، ايدئولوژيك و دولتي دارد. روزنامه­هاي سانسور شده، محدود و كم تيراژي دارد. شبكه­هاي ماهواره­اي انقلابي و راديكال و برانداز خارجي دارد. اينترنت در ايران كم­سرعت و فيلتر شده است و موبايل­ها هنوز برنامه­هاي جديد نرم­افزاري و سخت­افزاري و همين طور سيستم­هاي وصل شدن آن­لاين به اينترنت را ندارند. علي­رغم همه­ي اين مباحث ايران در عرصه سياست سايبر تجربه­­ي بي­سابقه­اي را در انتخابات دهم رياست جمهوري تجربه كرد كه فضاي سايبر محدود و آف­لاين را تبديل به كنشگري و اعتراض مدني و حكومت مندي دولتي­اي كرد، كه در ادبيات سياسي بي­سابقه بود.

رياست جمهوري دهم در ايران نقطه عطفي بي­سابقه در تاريخ ايران و جهان در ادبيات سياسي فضاي سايبر ايران مي­باشد. اين امر را مي­توان در چند مورد علت يابي كرد. ابتدا اينكه ايران در آستانه­ي قدم گذاشتن به عصر اطلاعات مي­باشد. ما هنوز درگير جدال سنت و تجدد بوديم، كه انرژي روايتي تكه تكه پسا­مدرن فضاي امنيت فكري، هويتي، ايدئولوژيك و اسلامي ما را محدود كرد و به نقد راديكال كشاند. در جمعيت ايران جوانان هفتاد درصد را تشكيل مي­دهند (صالحي اميري،1387: 108) كه فضاي روايتي انقلاب و جنگ را تجربه نكرده­اند و فضاي ديني سياسي و هويت رسمي به متن آنان به صورت تجربي نچسبيده است ((Alikhah,2008:106 . زنان داراي حق و حقوق و تحصيلات بالايي شده­اند كه با حضور در صحنه­هاي گوناگون جامعه سبك جديدي از امر سياسي را طلب مي­كنند. اگر بوجود آمدن شهرنشيني جديد پسامدرن و پساصنعتي (Graham,2010:249) در ايران و مهاجرت وحشتناك روستاها و شهرهاي كوچك به شهرهاي بزرگ را در نظر آوريم و اين عوامل را با تكنولوژي اطلاعات و امكانات رسانه­اي جديد در كنار هم بگذاريم علت بسياري از فتارهاي سياسي در انتخابات دهم رياست جمهوري و بعد از آن در ايران را مي­توان درك كرد.

جمعيت جوان + زنان تحصيل كرده (افزايش تحصيلات خصوصأ زنان) + شهرنشيني و ايجاد شدن طبقه متوسط + دسترسي به منابع اطلاعاتي جديد = قدم گذاشتن به عصر اطلاعات در ايران و در آستانه قرار گرفتن ايران.

با توجه به اين رويكرد فضاي انتخابات و بعد از انتخابات ريات جمهوري دهم در ايران را مي­توان در قالب دو تئوري راديكال مدرنيته آزادي و مدرنيته امنيت صورت­بندي كرد. اثر تكنولوژي اطلاعات بر امر سياسي در ايران دهه­ي هشتاد را در اين دو صورت بررسي مي­كنيم.

1. **مدرنيته راديكال آزادي ( اعتراض مدني)**

در سطح شهروندان كه كنش سياسي خود را به صورت آزاديهاي گوناگون نشان مي­دهند، با وارد شدن به عصر اطلاعات امكانهاي راديكال آزادي در قالب اعتراض­هاي سبك جديد در جامعه مدني پيدا مي­شود. مدرنيته راديكال سبك اعتراض­هاي مدني بر خواستهاي دموكراسي، حقوق بشر، آزادي بيان و تجمعات گوناگون در اين عصر شدت مي­يابد (Times on line,14february:2010). ساختار جمهوري و مردمي حكومت نظارت و ضمانت اجراهاي مردمي كه تضمين كننده شفافيت و روند اطلاعات آزاد به سمت كاهش كاركردهاي منفي حكومت پيش مي­رود. در انتخابات رياست جمهوري دهم شهروندان سبك راديكال اعتراض سياسي را در مدرنيته راديكال نشان دادند. از ابتدا سي دي ها و دي وي دي هاي طرفداران نامزدها پخش شده، نمودارها، جداول و سخنرانيهايي كه در قبل از انتخابات پخش مي­شد، كليپ­ها و سخنرانيهايي كه توسط شهروندات جابه جا مي­­شد. كلوپ­ها به شدت فعال شده بودند و چت روم­ها بحث­ها را به سمت سياسي شدن سوق مي­دادند. كلوپ ايرانيان با پانصد هزار عضو و صد هزار عضو فعال امكانات زيادي را در دوره انتخابات شكل داد. از خبر رساني و داغ كردنها و امكان ارسال به دوستان تا وبلاگ شدن همه­ي صفحه­هاي كاربران و همينطور امكانات چپ و بحث عمومي كه فضاي كلوپ­ها را از شكل عشقي، اجتماعي، ظنز و سرگرمي به سمت سياست سوق مي­داد (ملكي زاده،1378: 120). فايل­هاي برنامه­اي نامزدها به صورت پي دي اف بر روي اينترنت قابل دريافت شد. راديو و تلويزيون در ايران منحصرأ دولتي هستند (احدي،1378: 151). تعداد راديوهاي محلي و معترض در زمان انتخابات بسيار افزايش يافت. راديوهايي با خبر، موسيقي و تفسير و حتي طنز كه چند ساعت ضبط مي­شد و فايلش به صورت روزانه بر روي صفحه اينترنت ظاهر مي­شد. براي اولين بار در ايران تلويزيون غير دولتي بر روي اينترنت به صورت زنده ظاهر مي­شد و مجري زن با لباس سبز و ظاهر مدرن در حال مصاحبه با اصلاح طلبان بود، چند ساعت طول نكشيده بود كه مورد حمله قرار گرفت و قطع شد. وبلاگ­ها بسيار فعال بودند و حتي در زمان فيلتر شدن و سرعت كم اينترنت زندگي سياسي در وبلاگ­ها ادامه داشت و خبرها و تفسيرها و عكس­ها از اين طريق منتقل مي­شد. كامپيوتر منازل فايل بندي شده از روزها با تفسيرها و عكس­ها و كليپ­هاي دوره­هاي بعد از انتخابات بود و در لحظات بعد از انتخابات هارد اضافي گرفته مي­شد. در سياست سالهاي اصلاحات و بعد از آن سياست تنها در وبلاگ­ها، سايت­ها، مقاله­ها و خاطرات سياسي خود را نشان مي­داد (Rahim,2008:45). اما در انتخابات دهم رياست جمهوري امكانات نرم افزاري جديدي شكل گرفت. سايت خبري گويا لينكي پرطرفدار با سي هزار كاربر را بر روي خود به نام "بالاترين" داشت. بالاترين با اعضايي كه خبر مي­گذاشتند و در اثر كليك خوردن زياد، رو مي­آمد به سايت روزمره سياسي بسيار پر بيننده اي بدل شد كه لحظه به لحظه خبرها را به صورت خبرهاي داغ منتشر مي­كرد. محتواي بالاترين ملي گرايي ليبرالي بود، كه به صورت انديشه انتقادي خود را نشان مي­داد. بالاترين سايت لحظه­هاي زندگي سياسي در جريان و مردمي، عام پسندي بود كه به صورت خودجوش و انتقادي خبرها را به صورت دقيقه­اي روي خود مي­آورد. يوتيوپ امكان ديگري بود كه انحصار صدا و سيما را به شكل تصويري به چالش كشيد. فيلم­ها و كليپ­هاي دوربين و موبايلي كه بر روي يوتيوپ گذاشته مي­شد و سخنرانيها و فيلم­­هايي كه به راحتي در دسترس بودند. تويتر همان سيستم پيامك بود، با صدو چهل كاراكتر و با امكانات زيادتر كه خبرها را به صورت پيام به دوستان زياد و خوشه­اي و متصاعدي مي­رساند. ايران اصلي­ترين موضوع تويتر در سال 2009 بود (شهرزاد نيوز،27آذر2009). فيس بوك رسانه­ي دوست­ياب و سايت شخصي­اي بود كه با امنيت بالا عكس، فيلم، نوشتار و تحليل را منتشر مي­كرد و به اشتراك مي­گذاشت. اين سايت شانزده ميليون كاربر داشت كه ايران در رتبه 19 قرار داشت. همه­ي اين امكانات جديد در جنبش اعتراضي كاربرد وسيعي داشت و اثرگذاري بسيار بالايي در بازنمايي كردن امر سياسي در ايران ايفا مي­كرد. اينكه در كجا تجمع شود و چه شعارهايي داده شود و مواضع چگونه بيان شود به صورت خودجوش، انتقادي و لحظه به لحظه بر روي اين سايت­ها منتقل مي­شد (صالحي اميري،1387: 14).

از سوي ديگر در خارج از مرزها شبكه­ي ماهواره­اي بدون راهبرد هدايت مستقيم در پي انعكاس تصويري بود كه در صدا و سيما­ي ايران انعكاس پيدا نمي­كرد. شهروندان با در دست داشتن موبايل به خبرنگاران لحظه­اي بدل شدند، كه هيچ رويدادي را بدون انعكاس نمي­گذاشتند. يوتيوپ رسانه­ي تصويري شده بود كه با توجه به سرعت كم ونفوذ كم اينترنت ميان ايرانيان تصاوير و فيلم­ها را بر روي خود ثبت مي­كرد و امكان پخش گسترده آن را فراهم مي­كرد. ديوارنويسي­ها با راهنمايي جزئي و مورد به مورد سايت­ها ادامه پيدا مي­كرد. براي اولين بار شهروندان به صورت ميليوني در برنامه 90 از طريق پيامك به گزينه آخر بدون ديدن سوال راي دادند. چندين سايت كار آموزش آماده كردن در هنگام فرار را به عهده گرفتند. اعتراضات اوليه را فيس­بوك و تويتر با خبررساني و به­روز رساني حمايت مي­كردند. بي بي سي كار نمايش و بازنمايي تصويري را به عهده داشت. موبايل­ها، شهروندان ديجيتالي را ايجاد كردند و سي دي و دي وي دي كار پخش اين اخبار را به طبقات پايين پذيرفتند. سايت­هاي خبري همانند بالاترين و زمانه ساعت به ساعت تغيير پيدا مي­كرد. ايران دسترسي به جي ميل را براي كاربران ايراني قطع كرد. در برابر اين اقدام گوگل ترنسليت امكان ترجمه را براي زبان فارسي ايجاد كرد. گوگل ارث در بيست و دوم بهمن صف اتوبوس و همين طور گوشه­هاي خالي ميدان آزادي را نشان داد. به طور خلاصه مي­توان گفت امر سياسي به نحو اعتراض مدني شديد، در شكل آزادي راديكال مدرنيته صحنه سياست ايران را در شكل مجازي كه به كنش منجر شد، بازنمايي كرد.

**9) مدرنيته راديكال امنيت (حكومت­مندي):**

حكومت­مندي فكر عملي است، كه مي­تواند رفتار جمعي انسان­ها را تحت كنترل درآورد (Lagendidik,2009-Lemke,2001) . نظم پيدا كردن به صورت شباني و كنترل افكار و هدايت جمعي اراده­ي عمومي به نحوي كه تسليم امر سياسي شوند، در بستر حكومت­مندي در عصر اطلاعات مي­گنجد. دولت ايران در انتخابات رياست جمهوري دهم در مقابل اعتراض شديد جامعه مدني و طبقه متوسط كه از لحاظ فرهنگي متوسط به بالا و از لحاظ اقتصادي معلق و متوسط به پايين بودند، قرار گرفت. ابزارهاي نوين از ماهواره تا اينترنت و موبايل بازنمايي امر سياسي ايران را جهاني كرد. دولت براي جلوگيري از تشديد اين جريان به مدرنيته راديكال امنيت يعني استفاده از تكنولوژي اطلاعات در امر سياسي به غايت امنيت جلو رفت و با استفاده از تمام ابزارهاي اطلاعاتي و تكنولوژيك به جمع كردن امر سياسي و كنترل آن پرداخت (BBC،30خرداد88). در ابتدا سي­دي­ها و دي­وي­دي­ها و كليپ­هاي محافظه­كاران همانند اصلاح‑طلبان پخش شد. شعرها و نمادهاي محافظه­كاران را از طريق وب­سايت­ها و وبلاگ­ها پخش مي­شد. عمده­ترين دستگاه ايدئولوژيك دولت، رسانه­ي صدا و سيما بود. موبايل كه مورد استفاده در موج جوك­ها و خبرهاي رسانه­اي و حتي شايعات انتخابات شده بود و استراتژي اصلاح­طلبان در صيانت از آرا به شمار مي­رفت در شب انتخابات قطع شد. فرداي شمارش آرا و شروع اعتراضات، موبايل­ها از كار افتادند به خصوص در مكانهاي درگيري و تجمع و اعتراض قطع شد. سازه­ي ذهني مردم چنين پيش رفت كه نهادهاي امنيتي و نظامي حوزه خصوصي آنها را مي­كاوند و سپاه سهام مخابرات را خريداري كرده است. خبرها و جوك­هاي سياسي كم شد و جوي امنيتي بر پيام­هايي كه ماهيت حوزه عمومي را دارا بود، حاكم گرديد. دولت همچنين هزينه­ي سنگين داخلي و خارجي پارازيت را پذيرفت و شبكه­هاي آمريكايي، اروپايي سياسي خصوصأ بي بي سي را با پارازيت دچار اختلال كرد تا آنجا كه مديران شبكه از ايران شكايت كردند. دولت ايران ارتش سايبري را ايجاد كرد كه حدود صد سايت و وبلاگ را هك كردند.( راديو فردا،16آذر1388). حمله به يوتيوپ، فيس بوك، زمانه، بالاترين و ... و نوشتن شعارهاي خائن وطن فروش و هك كردن عنوان سربازان گمنام امام زمان و ارتش سايبري ايران در اين راستا جاي مي­گيرند(سايت جرس). جرم اينترنتي تعريف شد و سرزدن و خواندن وبلاگ­ها و سايت­هاي خبري خارجي و غير رسمي جرم تعريف شد و استفاده از فيلترشكن نيز در اين راستا قرار گرفت. دولت از تلويزيون براي هدايت مستقيم مردم بهره گرفت. فتوشاب نيز به كار گرفته شد در جهت حاشيه و برجسته­سازي عكس­ها و فيلم­هايي كه جنجال برانگيزتر بود. از سوي ديگر سايت­ها و وبلاگ­هاي والاترين، حقيقت، رجانيوز، گرداب، فارس و ... هر يك مدل محافظه­كاري حكومت­مندي را در صحنه سايبر انجام مي­دادند. روزنامه­هاي زيادي از اعتماد، اعتماد­ملي، ابتكار و ...بسته شدند. براي مدتي سيستم جي ميل و سايت گويا فيلتر شدند و سامانه­ي ايميل ملي راه­اندازي شد (roozonline) **.** بسياري از افراد به جرم فعاليت در فضاي سايبر دستگير شدند. يه طور خلاصه دولت نيز در شكل حكومت­مندي به بستن، فيلتركردن، حك كردن و ايجاد محيط خبري آرام و بي­كنش به صورت كم كردن دامنه­ي اعتراض و سركوب شديد را دنبال كرد. حكومت­مندي در صحنه سياست ماهواره­، پارازيت در شكل سياست اينترنت، فيلتر و حك كردن و در بعد تلويزيون هدايت افكار عامه بود. سياست تدبير و هدايت كره اسب وحشي به واژگان در جاي خود بودگي خود در تفكر استراتژيك امر سياسي در ايران قرار گرفت. سياست­گذاري ايران در بعد تكنولوژي جديد، برخوردي مكانيكي و ايدئولوژيك در عصر اطلاعات بود.

**نتيجه گيري:**

در ايران امروز با درهم آميختگي مشكلات و بحرانهاي گوناگون و تسريع آنها توسط تكنولوژي اطلاعات همه­ي امور سياسي شده است. فضاي عمومي ايران به شدت سياسي است و هرگونه بحثي سرانجام به سياست و نقد راديكال قدرت برمي­گردد كه فارغ از هر گونه چارچوب روشي و تخصص لازم مي­باشد. از سوي ديگر اين فضا مجازي شده است. حوزه­ي عمومي گفتگوي­اي كه سياست در آن از نان و يارانه تا شير و ماهواره تا تلويزيون و رأي دادن تا شعار و مدرسه و دانشگاه و ... را در بر گرفته است. بعد از انتخابات رياست جمهوري دهم، امر سياسي در ايران در شكل مجازي خود امري بازنمايي شده است. تصور از واقعيت، جاي خود واقعيت را گرفته است. واقعيت در جو خبري روزنامه، تلويزيون، ماهواره و اينترنت در شكل محافظه­كار و اصلاح­طلب سانسور شده و انقلابي راديكال ملي چپ و سلطنتي ... نمود پيدا مي­كند و آنقدر اين گفتمان­ها به لحاظ چپ و راست­گرايي، مذهبي و ملي و سكولاريستي از هم شكاف دادند، كه هيچ فاصله مماسي براي دريافت حقيقت از طريق تطبيق باقي نمي­گذارند. جامعه مدني ايران در سطح شهروندي و سياست­گذاري حكومت­مندي در سطح قدرت دولتي هنوز در جدال سنت و مدرنيته بود كه پاي خود را با تمام بحران­هاي قبلي به عرصه تكه­تكه و پسامدرن عصر اطلاعات گذاشته است. اين در آستانه بودن باعث سرعت افزايش انتظارات در سطح جامعه مدني و برآورد توقعات به كندي شد كه بدنه­ي معلق طبقه متوسط خصوصأ جوانان و زنان شهرهاي بزرگ به خصوص تهران را به سطح خيابان كشاند. از سوي ديگر دولت نيز اين فضاي اصلاحي را با بي­صبري تمام سركوب كرد و شعارهاي رأي من كجاست نرم و آرام، تبديل به شعارهاي مرگ بر انقلابي و خشونت بار كرد. در اين عرصه سياست بسيار بي­غايت شد. اسطوره­ها و نمادها مدام و بدون در جاي خودبودگي­شان مصرف شدند. در واقع امر سياست در ايران بي­محتوا شد. مخالفان دولت از روزهاي مذهبي و انقلابي در جهت اهداف ملي و سكولار بهره گرفتند و طرفداران دولت سبك رسانه­اي و خبري بسيار بي سياست و هدايت شده­اي را مبتني بر ذات قدرت عريان دنبال كردند. در اين ميان آنچه مهم تلقي شد، بازنمايي امر سياسي و ايجاد شدن فضاي توهمي بود كه سنت سي ساله­ي الگو بودن ايران در منطقه را بسيار آسيب­پذير ساخت. جمهوري اسلامي روايت ديني اسلاميت شرعي سنتي و جمهوري مدرن تجدد عقلي را چنان بي­سابقه در انديشه سياسي وارد كرد كه الگوي بي­نظيري از حكمراني مردمي ايزدي را نمايش مي­داد. سطح توهمات و توقعات و سركوب بالا اين الگوي بي­نظير را آسيب­پذير كرد. هر دو طيف توهم كودتا از طرف مقابل را مطرح كردند و بلايي بر سر خودي­هاي خود آوردند، كه هيچ غريبه­اي نمي­آورد و بيگانه تنها نظاره­گر اين زدوخورد بود. دو طرف گفتگو را كنار گذاشتند و جامعه تشنه­ي اطلاعات به ناگاه در فضاي جديد عصر اطلاعات انفجار شده قرار گرفت. جنبش نوين خودجوش با وسايل و تكنولوژي جديد و نمودهاي امر سياسي پسامدرن در ايران پيدا شد. سبك جديدي از خرده روايت­هايي كه بي غايت بدون توجه به درجاي خودبودگي حرف خويش را مي­زدند. حكومت به نحو حكومت­مندي امنيتي محافظه­كار در جهت پاك كردن و خاموش كردن طبقه متوسط خودي و كارگزاران بروكرات و اصلاح­طلب خويش حركت كرد. جامعه مدني با طبقه پيشرو متوسط راه نسل جوانان معلق را به تجربه شعارها و نمادهاي بازنمايي شده در روايت ملي و سكولار باز كرد. جنبه اقتصادي اصلاحي و ميانه­اي كه نقل و عقل، سنت و تجدد و شيوه كهن و مدرن را آشتي مي­داد باقي نماند و عقلانيت سياست گذاري به همراه تساهل جامعه مدني كنار رفت. تجربه ويدئو و ماهواره بر سر اينترنت نيز در حال تكرار شدن است و ايران در آستانه­ي عصر اطلاعات در تاريخ انديشه و تحولات سياسي تجربه­ي نادر و تلخ را در حال گذراندن است.

**فهرست منابع**

**- فارسی**

* هايدگر، مارتين و ... (1377)، **فلسفه‌ي تكنولوژي**، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: مركز.
* هايدگر1،مارتين (1377)**،** پرسش از تكنولوژي، برگرفته از هايدگر، مارتين و ... ، **فلسفه‌ي تكنولوژي**، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: مركز.
* هوسرل، ادموند (1382**)،** فلسفه و بحران غرب، ترجمه رضا داوري اردكاني، مقاله اصلي هوسرل، ادموند و هايدگر .... ، **فلسفه و بحران غرب(مجموعه‌ي مقالات)،** ترجمه داوري اردكاني و ... ، هرمس
* هابرماس3، يورگن (1385)، تحريف نظام مند ارتباط، مقاله برگرفته از كانترون، پل، **جامعه شناسي انتقادي**، حسن چاوشيان، تهران: اختران
* هابرماس، يورگن (1383)، **دگرگوني ساختاري حوزه‌ي عمومي**، كاوشي در باب جامعه بورژوازي، ترجمه‌ي جمال محمدي، تهران، افكار
* كاستلز، ايمانوئل **(**1380**)، عصر اطلاعات**، ترجمه عليقليان و ... ، 3جلد، تهران: طرح نو.
* فوكو، ميشل (1378)، **مراقبت و تنبيه**، ترجمه نيكو سرخوش و افشين جهان ديده، تهران: ني
* دلوز، ژيل و آنتونيو نگري و ... **(**1386**)، بازگشت به آينده**، ترجمه رضا نجف زاده، تهران: ني
* پرهام، مهدي (1379)، **حافظ و قرن بيست و يك(تولدي ديگر**)، تهران: نشر شالوده
* بوديار، ژان (1385)، مبادله نمادين مرگ، برگرفته از برگرفته از كهون، لارنس**،** متن‌هاي برگزيده از **مدرنيسم تا پست مدرن،** ترجمه عبدالكريم رشيديان، ني.
* ابو، بوسا (1385)، **امپرياليسم سايبر، روابط جهاني در عصر جديد الكترونيك**، ترجمه، پرويز علوي، ثانيه
* كلگ، استيوارت (1379) چارچوب هاي قدرت، ترجمه مصطفي يونسي، مقدمه محمدرضا تاجيك، تهران: مطالعات راهبردي.
* **وبر، ماكس** (1382)، روش شناسي در علوم اجتماعي، ترجمه حسن چاوشي، تهران: نشر مركز.
* فرقاني، محمد مهدي (1382)، درآمدي بر ارتباطات سنتي در ايران، مقدمه كاظم معتمدنژاد، تهران: مركز مطالعات و تحقيقات رسانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
* نيكفر، محمدرضا (6 تير 1388)، در ايران چه مي­گذرد، [www.gooya.com](http://www.gooya.com)
* بشيريه، حسين (آذر 1388)**، جنبش سبز و بسيج** مردمي، [www.radiofarda.com](http://www.radiofarda.com)
* فضلي نژاد، پيام (1388)، چگونه پروژه جامعه مدني به مبارزه مدني تبديل شد؟ بي جا.
* معتمدنژاد، كاظم (1386)، وسايل ارتباط جمعي، تهران: دانشگاه علامه طباطبايي.
* ملكي زاده، اكبر (1378)، وبلاگ نويسي در ايران، مجموعه مقالات تكنولوژي هاي جديد رسانه اي، سيد رضا صالحي اميري، تهران: مركز تحقيقات استراتژيك.
* احدي، افسانه (1387)، آسيب شناسي كاركرد سيستم اطلاع رساني در ايران، ، مجموعه مقالات تكنولوژي هاي جديد رسانه اي، سيد رضا صالحي اميري، تهران: مركز تحقيقات استراتژيك.
* **صالحي اميري، سيدرضا (1387)، رسانه ها و نقد قدرت در حوزه عمومي،** ، مجموعه مقالات تكنولوژي هاي جديد رسانه اي، سيد رضا صالحي اميري، تهران: مركز تحقيقات استراتژيك.
* **فوكو، ميشل (بي تا) حكومت مندي، مقالات ويژه نشريه گفتگو صص 7 تا 31.**
* **رضايي پرور، حميد (1387)، سازمان دهي وبلاگ ها و وب سايت ها،** ، مجموعه مقالات تكنولوژي هاي جديد رسانه اي، سيد رضا صالحي اميري، تهران: مركز تحقيقات استراتژيك.
* **سلطاني فر، محمد (1387)، جامعه شناسي دموكراسي در جوامع اطلاعاتي،** ، مجموعه مقالات تكنولوژي هاي جديد رسانه اي، سيد رضا صالحي اميري، تهران: مركز تحقيقات استراتژيك.
* **صالحي اميري، سيدرضا (1387)، ضرورت تعامل مردم و نظام در بحث ماهواره ها،** ، مجموعه مقالات تكنولوژي هاي جديد رسانه اي، سيد رضا صالحي اميري، تهران: مركز تحقيقات استراتژيك.
* **ديويد س، آلبرتس و دانيل س پاپ (1385)، امنيت در عصر اطلاعات، مترجم علي علي آبادي** و رضا نخجوان، تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردي.

**- لاتین**

- Lenk, Hans (2009), **toward technology and action oriented methodology of constructive realism**, university of Karlsruhe, germany.

- Lemke, tomas (2000**), Foucault, governmentality and critique**, paper present at the rethinking Marxism confrance, university of amherest (MA).

- Lagenddik,arnood(2009**),shift in governmentality,territoriality and governance, an introduction** , university of nijmegan, [www.sprigner](http://www.sprigner) science.com.

- Nash, Kate (2001), (Contested Power: Political sociology in the Information Age) in Frank Webster, **culture and Politics in the Information Age**, London: Rutledge.

- Mossberger, Karen (2008), Towad digital citizenship: addressing inequality in the information age, in the book **internet politic**, edited by Andrew Chadwick & Philip N howard, London newyork: Rutledge.

- Andrew Chadwick & Philip N howard (2008), New direction in internet politic research, in the book **internet politic**, edited by Andrew Chadwick & Philip N howard, London newyork: Rutledge.

- Reedy, justiheund, chris wells (2008), Information, the internwt and direct democracy, in the book **internet politic**, edited by Andrew Chadwick & Philip N howard, London newyork: Rutledge.

- May, Christopher (2008), Globalization the logic of openers open source software and the global governance of intellectual property, in the book **internet politic**, edited by Andrew Chadwick & Philip N howard, London newyork: Rutledge.

- Bennett W lance and arroshaun Toft (2008), Identity, technology and narratives, trans national activism and social networks, in the book **internet politic**, edited by Andrew Chadwick & Philip N howard, London newyork: Rutledge.

- Karatzogianni, Athina (2009), **the politics of cyber conflict**, London newyork: Rutledge.

- Rabasco, Michael (2002), The Internet and the Evolution of Civil Sociaty in Iran, In, Michael Mazarr, **Information Technology and World Politics**, New York: Palgravi Macmillan.

- Khiabani, gholam (2008), The Iranian press, state and civil society, in the book, **Media culture and society in Iran, living with globalization and the Islamic state,** Mehdi Semati, London newyork: Rutledge.

- Alikhah, Fardin (2008), The politics of satellite, television, in the book, **Media culture and society in Iran, living with globalization and the Islamic state**, Mehdi Semati, London newyork: Rutledge.

- Seyed emami, kavous (2008), Youth, politics, and media habits in iran, in the book, Media **culture and society in Iran, living with globalization and the Islamic state**, Mehdi Semati, London newyork: Rutledge.

- Semati, mehdi (2008), Living in the globalization and the Islamic state in introduction to media culture and society, in the book, **Media culture and society in Iran, living with globalization and the Islamic state**, Mehdi Semati, London newyork: Rutledge.

- Rahimi, babak (2008), The politics of the internet in Iran, in the book, **Media culture and society in Iran, living with globalization and the Islamic state**, Mehdi Semati, London newyork: Rutledge.

- Brian, Ekdale and Kang Namkoong (2010), **Why blog**? [www.sagepub.com](http://www.sagepub.com) 19.2010

- Gerhard, jurgen and Mikes Schafer (2010), **Is the internet a better public sphere?** [www.sagepub.com](http://www.sagepub.com)

- Marchovghe, Sara, vissers, Dietlind, Stone (2010), **The potential of internet mobilization**: Rutledge, 28.2010.

- Graham, Philip (2010), **An investigation in to the relationship language new media and social perception of value school of communication**, university of technology Queensland.

- Shahabi, Mahmood (2008), The Iranian moral panic over video: a brief history and a polity analysis, in the book, **Media culture and society in Iran, living with globalization and the Islamic state**, Mehdi Semati, London newyork: Rutledge.

Times online (2010), Protest Iranian and cyber sphare, February, 14, 2010.